



شش رنگ 6 RANG

چه کسی مقصر است؟

مرگ مشکوک لیانا (با نام رسمی
آرتا میری)، دختر ترنس در شیراز

چگونه در میانه سوگ کشتار وسیع معترضان در دی‌ماه و اخبار خرابی‌ها و کشته‌شدگان جنگ، در میانه اعدام‌های وحشیانه و گرسنگی و فقر بخش وسیعی از مردم، از حقوق جامعه‌ای حرف بزنیم که هر روز بی‌صدا می‌میرد و کسی بر مزارشان نه می‌گیرد و نه می‌رقصد؟

چگونه از مرگ لیانای ۱۷ ساله بگوئیم که پس از تحمل سال‌ها خشونت خانگی، روز دوشنبه به طرز مشکوکی و آن‌گونه که خانواده آزارگر او می‌گویند، در خانه‌شان در شیراز و پس از «سکته مغزی» جانش را از دست داد؟ چگونه از فشارهای روانی خانواده و دعا خوراندن به لیانا بگوئیم و از اینکه چگونه از سوی پدر و مادر و خانواده‌شان به خاطر رنگ مو، رقص و آرایش صورتش، مورد ضرب‌وشتم، نفرین‌های دائم، تحقیر و سرکوب قرار می‌گرفت؟ او که در کودکی از سوی یکی از پسرعموهایش مورد تجاوز قرار گرفته بود، حتی در این ماجرا نیز از حمایت «پدر و مادر»ش برخوردار نشد.

لیانا می‌رقصید و آرزو داشت روزی بر صحنه‌ای بزرگ بایستد و پشت میکروفون از رنج‌ها و آرزوهایش بگوید؛ آرزو داشت دیده شود و آن‌گونه که هست، دوست داشته شود.

او در یک مدرسه پسرانه دائم مورد تهدید و تمسخر بود و خانواده انگار این وضعیت را تنبیهی برای پسر یاغی‌شان می‌دیدند.

آن‌ها تا آنجا پیش رفتند که حق خروج از خانه و گشتن با دوستانش را از او گرفتند و او با هر شیوه‌ای سعی می‌کرد هوایی تازه کند و در خیابان‌هایی که بارها مورد آزار کلامی و بدنی قرار گرفته بود، زندگی را تجربه کند. مادرش این آزارگری مردان را متوجه شیوه راه رفتن و ظاهر فرزند خودش می‌دانست و با تحقیر به او می‌گفت: «می‌ری بیرون که انگشتت کنند!» (فایل صوتی دعوای خانواده اش، که توسط خودش برای روزی اینچنین مستند و ضبط شده، در اختیار ما قرار گرفته است)

چرا این‌ها را می‌گوئیم؟

چون لیانا در خیابان مورد هدف گلوله جنگی مزدوران رژیم قرار نگرفت. او دستگیر و اعدام نشده است. جامعه‌ای که دردها و فاجعه‌های عظیم و گسترده دارد، کم‌کم دردهای این‌چنینی برایش عادی می‌شود و لااقل ضرورت اقدام در مقابل آن را، در قیاس با آن فجایع، دیگر نمی‌بیند.

و ما، اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی ایران، بهتر از هر کسی می‌دانیم که در تاریخ عمر ما، همیشه موضوعات دیگری مهم‌تر و عمومی‌تری نسبت به حقوق ما و زندگی‌های ما هست!

لیانا اما معترض بود و جنگید. او در مقابل فرهنگی که آبروی مضحک و ریاکارانه خود را مقابل عشق به فرزندش می‌گذارد، ایستاد. در مقابل کلیشه‌های محدودکننده جنسیتی ایستاد و رنج تنهایی در انتخاب‌های زندگی‌اش را کشید. او در مقابل مردسالاری عنان‌گسیخته‌ای ایستاد که در دبیرستان و سر کلاس آلت جنسی خود را درمی‌آورد و روی میز گذاشته و از امثال لیانا دعوت به سکس دهانی می‌کند. بله، لیانا در مقابل سنت سکوت در خشونت و آزار جنسی از سوی مردان خانواده ایستاد. او چند هفته قبل در پیامی به دوستش نوشت: "از مردا حالم بهم می‌خوره، از پسرا حالم بهم می‌خوره. چرا انقدر دنیا کثیفه؟"

لیانا هیچ‌گاه نتوانست آن‌طور که خودش آرزو داشت، در لباس قرمزی بلند، در اولین موفقیت زندگی‌اش، سخنرانی کند و قصه مسیرش را بگوید. ما وظیفه خود می‌دانیم به او، که ما را پناه خود می‌دانست، صدا بدهیم و امروز، پس از مرگ مشکوک او، حق دیده شدنش را ادا کنیم.

آری، زیر پوست شهرهای غم‌زده ایران، جنایاتی هرروزه در حق این جامعه می‌شود که دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. اما از فواید جنگ برای قدرت مردان این است که فاجعه‌ای عظیم، مانع دیدن این حق‌کشی‌ها و جنایات ظاهراً کوچک می‌شود. وقتی سیاست به موضوع جنگ دولت‌ها تقلیل می‌یابد، مردم و رنج‌هایشان از معادلات حذف می‌شوند. ما اما، هم علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی فریاد می‌زنیم و هم علیه سیاست جنگ‌طلبانه اسرائیل و آمریکا و جمهوری اسلامی ایستاده‌ایم و از شما می‌خواهیم، اگر برای آینده‌ای انسانی تلاش می‌کنید، این جان‌ها را از یاد ببرید.

لبانا نوجوانی عاشق رقص و شادی و امنیت بود. جمهوری اسلامی همه آن‌ها را از او ربوده بود و بدتر از آن، موفق شده است، پدر و مادرها را نیز علیه جگرگوشه‌هایشان، با تنفر پراکنی و گناه و جرم‌انگاری هویت و گرایش جنسی، تحریک و بسیج کند. آری، در میان قاتلان افراد این جامعه، گاه دستان خونین خانواده‌ها را می‌بینیم. به ما بگویید این درد را به کجا ببریم؟

جمهوری اسلامی عامل اصلی رواج این جنایات است. ما خواهان روشن شدن علل و عاملان مرگ او و انجام تحقیقات در این مورد هستیم. در عین حال، بایستی جلوی انکار هویت او پس از مرگش را بگیریم. این بخشی از مبارزه ما علیه فرهنگ ضد زن و به‌شدت ال‌جی‌بی‌تی+ستیز جامعه ایران است؛ چه در داخل کشور و چه خارج از ایران. و این مبارزه نه زمان می‌شناسد و نه مکان. امروز هم برای جان‌های بسیاری دیر شده است. این رویه را متوقف کنید.

ما به شما مخاطبان شش‌رنگ، به شما که جان انسان را پاس می‌دارید، چشم‌یاری داریم.

شش‌رنگ (شبکه ال‌جی‌بی‌تی+ ایران)
۲۶ آگوست ۲۰۲۶